# بحران اقلیمی را ثروتمندان جهان دامن می‌زنند

کشورهای ثروتمند جهان به‌شکل بسیار شایان توجهی بیشتر از کشورهای فقیر به محیط زیست آسیب می‌زنند. مثلا سرانه انتشار گازهای گلخانه‌ای در ایالات متحده آمریکا، ۷۵ برابر کشور مالی است. اما وقتی بحران‌های اقلیمی از راه می‌رسند، زندگی اهالی مالی خیلی بیشتر از آمریکایی‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد. آدام توز، تحلیلگر سرشناس می‌گوید برای فهم پیچیدگی‌های منحصربه‌فرد بحران اقلیمی امروز، باید به این دست نابرابری‌ها توجه کنیم: نابرابری در پذیرش مسئولیت، نابرابری در تأثیرپذیری از بحران و نابرابری در بهره‌مندی از منابع برای حل بحران.

اگر به نقشه اقلیمی جهان در پنجاه سال آینده نگاه کنید، نوار گرمای شدیدی را می‌بینید که دورتادور زمین را فرا گرفته است. مدل سازی‌های اقلیمی سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که تا نیم قرن آینده حدود ۳۰ درصد جمعیت جهان یا مجبورند مهاجرت کنند یا دستکم در مناطقی با میانگین دمای بالای ۲۹ درجه سانتیگراد زندگی کنند، دمایی که به طرز تحمل ناپذیری گرم است. در حال حاضر، حداکثر یک درصد سطح زمین با چنین گرمایی مواجه است، که آن هم بخش‌های خالی از سکنه صحرای بزرگ آفریقاست.

به گزارش گاردین، انتظار می‌رود طی دهه‌های آینده شاهد سریع‌ترین رشد جمعیت در مناطقی از جهان باشیم که بیشترین آسیب را از گرمایش جهانی می‌بینند- و همین وخامت اوضاع را دوچندان می‌کند. اما این مناطق، طبق روندهای کنونی و به رغم رشد سریع جمعیت‌شان، کمترین سهم را در انتشار گازهای گلخانه‌ای، که عامل فاجعه اقلیمی‌اند، خواهند داشت. نابرابری به حدی شدید است که نیمه کم درآمد جمعیت جهان- ۴ میلیارد نفر- فقط ۱۲ درصد از کل گازهای گلخانه‌ای را منتشر می‌کنند و آن‌هایی که در پایین‌ترین سطح قرار دارند تقریبا هیچ تأثیری ندارند. سرانه انتشار دی‌اکسید کربن در کشور مالی تقریبا یک هفتاد و پنجم سرانه انتشار آن در ایالات متحده است. حتی اگر یک سوم جمعیت کم درآمد جهان، یعنی بیش از ۲ /۶ میلیارد نفر، خود را به بالای خط فقر- یعنی درآمد ۲٫۳ دلار در روز- برسانند، تنها ۵ درصد به کل انتشار گازهای گلخانه‌ای اضافه می‌شود، یعنی معادل یک سوم گازهای گلخانه‌ای که یک درصد ثروتمند جهان منتشر می‌کنند.

نیمی از جمعیت جهان، به رهبری ۱۰ درصدی که بالاترین درآمد را دارند و بالاتر از همه، نخبگان جهانی- نظام تولید وسیعی را هدایت می‌کنند که محیط زیست را برای همگان بی‌ثبات می‌کند. بدترین اثرات بر فقیرترین‌ها تحمیل می‌شود و در دهه‌های آینده این تأثیر به طور فزاینده‌ای شدیدتر خواهد شد. از این رو، فقر آن‌ها به این معناست که عملا قدرتی برای محافظت از خود ندارند. در معادله جهانی تغییرات اقلیمی، شاهد نابرابری سه‌گانه هستیم: نابرابری در پذیرفتن مسئولیت مشکلات، نابرابری در تأثیرپذیری از پیامدهای بحران‌ها و نابرابری در بهره‌مندی از منابع برای کاهش اثرات بحران و سازگاری با آن.

**نابرابری سه‌گانه اقلیمی پیامدهای جدی و بی‌سابقه‌ای دارد**

نکته اینجاست که همه مناطقی که در معرض خطر تغییرات اقلیمی قرار دارند فقیر و ناتوان نیستند. جنوب غربی آمریکا منابع لازم را برای مقابله با این خطر دارد و هند نیز کشوری توانمند است. اما گرمایش جهانی مشکلات عظیمی را در توزیع جمعیت ایجاد خواهد کرد. چگونه می‌توان پناهندگان اقلیمی را اسکان داد؟ چگونه باید اقتصاد را با این شرایط سازگار کرد؟ این برای کشورهای آسیب‌پذیری مانند عراق چالش بسیار بزرگی است. خط اصلی آنجاست که این کشورها از وضعیت سازگاری با مشکل، به فروپاشی کامل برسند و نتوانند آب و برق لازم برای خنک کننده‌ها را تأمین کنند، که از ملزومات اساسی برای بقا در گرمای شدید است. تابستان سال گذشته، هزاران نفر در عراق در ماشین‌های کولردار خود پناه گرفتند و ساعت‌ها موتور ماشین‌ها را روشن نگه داشتند، تا از موج گرمای بالای ۵۰ درجه جان سالم به در ببرند.

شاید بگوییم تا بوده همین بوده؛ فقر رنج می‌کشند و ثروتمندان کامیاب می‌شوند. اما نابرابری سه‌گانه اقلیمی پیامدهای جدی و بی‌سابقه‌ای دارد. از دیرباز، کشورهای ثروتمند با کشورهای فقیر تجارت نابرابر داشته‌اند. در دوره استعمار، مواد خام را غارت می‌کردند و ده‌ها میلیون نفر را به بردگی می‌گرفتند. در کشورهایی که آن زمان جهان سوم به شمار می‌رفتند، تا دو نسل پس از رفع استعمار، رسما خبری از رشد اقتصادی نبود. از دهه ۱۹۸۰ و هم‌زمان با شتاب گرفتن رشد اقتصادی چین، دامنه توسعه به نحو چشمگیری گسترش یافته است. حالا ۴۱ درصد از کل گازهای گلخانه‌ای ۴۰ را درصد میانی توزیع درآمد جهان منتشر می‌کنند و این بدان معناست که به سطح چشمگیری از مصرف انرژی رسیده‌اند. اما این «طبقه متوسط جهانی»، که بیش از هر جای دیگر در شرق آسیا متمرکز است، با مصرف بیش از حد کربن، عرصه را بر مناطق کم درآمد تنگ می‌کند و رشد روزافزونش به برخی از فقیرترین و ناتوان‌ترین مردم جهان آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌کند.

بنابراین، با وضعی روبه‌رو هستیم که در تاریخ سابقه ندارد. هرچه بیشتر به لبه زیست‌پذیری محیطی- یعنی مرز بحرانی برای زیست نوع بشر- نزدیک می‌شویم، توسعه کشورهای ثروتمند به طور نظام‌یافته‌ای شرایط بقای میلیاردها نفر را در مناطق خطرناک اقلیمی وخیم‌تر می‌کند. این انسان‌ها، بیش از آنکه به معنای دقیق کلمه استثمار شده یا مغفول مانده باشند، قربانی پیامدهای اقلیمی رشد اقتصادی در کشورهای دیگر شده‌اند. چنین گرفتاری خشونت‌بار و غیرمستقیمی از نظر کیفیت و مقیاس تازگی دارد.

روابط خشونت‌آمیز و نابرابر میان گروه‌ها معمولا مستلزم نوعی تعامل است و در نتیجه می‌توان در برابر آن مقاومت کرد. مثلا کارگران می‌توانند اعتصاب کنند. کسانی که دچار روابط تجاری ناعادلانه شده‌اند می‌توانند تحریم کنند و مجازات‌هایی وضع کنند. اما پیامدهای غیرمستقیم زیست‌محیطی مشمول چنین روابطی میان طرفین نیست و راه‌های مقاومت در برابر آن در درون نظام کمتر است. معترضان چه بسا خطوط لوله‌های انرژی را که از کشورهای فقیر به مصرف‌کنندگان ثروتمند کشیده شده‌اند منفجر کنند تا به آن‌ها هشدار بدهند. اما آیا پاسخ سازنده‌تری به این نابرابری سه‌گانه نمی‌توان داد؟

**بحران اقلیمی، بحرانی مربوط به آینده نیست**

اهمیت فوق‌العاده کنفرانس‌های جهانی آب و هوا، در همین نکته است. شاید این کنفرانس‌ها رویدادهایی کسل‌کننده و تشریفاتی به نظر برسند، اما در همین محافل می‌توان پیوند مرگبار تولید نفت و گاز و زغال‌سنگ، مصرف کشورهای ثروتمند و مخاطرات مرگباری که مردم مناطق پرخطر را تهدید می‌کند به زبان سیاسی بیان کرد.

در اینجاست که فعالان و دولت‌هامی‌توانند از خودداری شرم‌آور کشورهای ثروتمند از همکاری در ایجاد صندوق زیان و خسارت انتقاد کنند، صندوقی که برای جبران خسارت کشورهایی که بیشترین آسیب را دیده‌اند ایجاد شده است. نیاز به چنین صندوقی، نخست در اجلاس کاپ ۲۷ در مصر تشخیص داده شد. اما از آن زمان، مقاومت مذاکره‌کنندگان آمریکایی و اروپایی سخت‌تر شده است. پس از برگزاری کاپ ۲۸ و ۲۹ نیز سازماندهی و تأمین مالی این صندوق هنوز به جایی نرسیده است.

چنین صندوقی مشکل نابرابری سه‌گانه را حل نمی‌کند. برای حل این مشکل به طرح جامع انتقال انرژی و الگوهای جدیدی از توسعه واقعا فراگیر و پایدار نیاز داریم. ولی صندوق خسارت و زیان را از جهتی می‌توان گامی اساسی دانست. با برپایی این صندوق، رسما اذعان می‌کنیم که بحران اقلیمی دنیا دیگر بحرانی مربوط به آینده نیست. به مرحله‌ای رسیده‌ایم که عدم رسیدگی فوری به این بحران فزاینده، به خودی خود، به معنای هم‌دستی در فرآیند قربانی‌سازی است و کمترین حق قربانیان این است که عاملان این وضعیت، مسئولیت‌پذیر باشند و غرامت کافی بپردازند.

> **نیمی از جمعیت جهان، به رهبری ۱۰ درصدی که بالاترین درآمد را دارند و بالاتر از همه، نخبگان جهانی- نظام تولید وسیعی را هدایت می‌کنند که محیط زیست را برای همگان بی‌ثبات می‌کند. بدترین اثرات بر فقیرترین‌ها تحمیل می‌شود و در دهه‌های آینده این تأثیر به طور فزاینده‌ای شدیدتر خواهد شد. از این رو، فقر آن‌ها به این معناست که عملا قدرتی برای محافظت از خود ندارند**

**فن‌آوری، آلودگی را از تمسفر زمین خارج می‌کند؟**

با این حال، همچنان بزرگ‌ترین قمار کشورهای ثروتمند جهان، امیدواری است، امید به این که در آینده فن‌آوری می‌تواند به شکل گسترده بساط گازهای گلخانه‌ای را برچیند. اما این موضوع به چه معناست؟

اگر تولید انسانی گازهای گلخانه‌ای را حدود ۴۱ میلیارد تن در نظر بگیریم که ۹۰ درصد آن به خاطر استخراج، جابه‌جایی و مصرف سوخت‌های فسیلی مانند نفت، گاز و زغال‌سنگ است، به فن‌آوری‌ای نیاز داریم که این ۴۱ میلیارد تن را همزمان با انباشت آن در اتمسفر زمین، از جو بیرون بکشد.

بله، پروژه‌هایی هم اینک به نتیجه رسیده‌اند که می‌توانند چند ۱۰ تن کربن در سال را از تمسفر بیرون بکشند و در غارهای زیرزمینی به شکل سنگ دفن کنند. در درازمدت، این پروژه‌ها پیشرفت خواهند کرد ولی در چشم‌انداز چه زمانی ممکن است بتوانند این ۴۱ میلیارد تن را سریع از اتمسفر زمین بیرون بکشند؟

بگذارید تصویر بزرگ‌تر را رنگ کنیم: از عصر صنعتی شدن زمین تا کنون یعنی از ۱۷۷۰ تا ۲۰۲۴ میلادی، مقدار دی‌اکسید کربن اتمسفر زمین را ۵۰ درصد بیشتر کرده‌ایم. صحبت از بیش از یک هزار میلیارد تن گازهای گلخانه‌ای است که بایستی بتوانیم در کوتاه‌مدت از جو زمین خارج کنیم. یعنی آلودگی را از گاز به جامع یا مایع تبدیل کنیم و در شرایطی پایدار آن را به شکلی امن نگهداری کنیم.

بدون تردید این شانس وجود دارد تا چنین اتفاقی رخ دهد. در عین حال حدوده ۵ درصد شانس وجود دارد تا زندگی در آستانه ۱.۵ درجه، یعنی شرایط فعلی، تغییر کند و به آستانه دو درجه سانتیگراد در کوتاه‌مدت برسد. پیش‌بینی شده است تا حدود یک میلیارد نفر، یعنی یک نفر از هر هشت نفر با تغییر شرایط متعادل پیش از عصر صنعتی شدن به شرایط نامتعادل امروز روبه‌رو شدن به شرایط هرج‌ومرج اقلیمی، جان خود را از دست بدهند.

شرایط هرج‌ومرج اقلیمی، اجازه تولید غذا به شکل امروزی‌اش را نخواهد داد. جابه‌جایی کالا به شکل امروزی‌اش متوقف خواهد شد. شهرهای بندری جهان از کار خواهند افتاد. اگر امروز ممکن است هواپیما پرواز نکند، چون موج گرما به حدی است که چرخ هواپیما در آسفالت ذوب شده گیر می‌افتد، در آینده این ممکن است به امری روزمره تبدیل شود. پندمیک‌ها می‌توانند هرچند ماه یا چند سال یک بار سربرسند. همزمان زندگی به رویدادهای شدید آب‌وهوایی محدود می‌شود.

اگر قمارسیاستمدارهای جهان به نتیجه نرسد، آینده تاریک‌تر از امروز خواهد بود. فرقی هم نمی‌کند در کشورهای فقیر زندگی کنید یا ثروتمند. تفاوت فقط زمان است، بعضی زودتر به ویرانی مطلق می‌رسند، برخی دیرتر.

**کشورهای ثروتمند، صدها میلیارد دلار برای گسترش سوخت‌های فسیلی در کشورهای فقیر هزینه کرده‌اند**

نتایج گزارش‌هانشان می‌دهد که کشورهای ثروتمند ظرفیت بالقوه‌ای برای جمع‌آوری منابع مالی قابل توجه جهت مقابله با بحران اقلیمی دارند. با اقدامات مناسب، از جمله مالیات بر سوخت‌های فسیلی و ثروت میلیاردرها، این کشورها می‌توانند سالانه تا ۵ تریلیون دلار برای تأمین مالی آب‌وهوا جمع‌آوری و به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و مقابله با اثرات اقلیمی کمک کنند اما جمعی از ثروتمندترین اقتصادهای دنیا، موسوم به «گروه ۲۰»، در سال‌های گذشته صدها میلیارد دلار خرج گسترش عملیات مرتبط با سوخت‌های فسیلی در کشورهای فقیر کرده‌اند.

همواره رهبران جهان و مدیران شرکت‌های چند ملیتی از جمله غول‌های نفتی، به جز معدودی استثناء، در بیانیه‌ها و سخنرانی‌هایشان وعده‌های زیادی در مسیر مقابله با تغییرات اقلیمی می‌دهند. گفتار حمایت از گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر و سبز و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای به‌ویژه پس از امضای توافق پاریس در ۲۰۱۵ هرچه بیشتر و بیشتر شده است. اما بیشتر این وعده‌ها و سخنرانی‌ها و اعلام موضع‌های عمومی پس از توافق اقلیمی پاریس مصداق «دورویی» است؛ به عبارت دیگر، موضع عمومی آن‌ها با کار واقعی‌شان فاصله زیادی دارد و به این ترتیب آثار ناشی از گرمایش زمین سویه هرچه مخرب‌تر خود را در جای‌جای جهان نشان می‌دهد. از گرما و خشکسالی شدید در غرب آمریکا و کانادا تا سیلاب‌های ویرانگر در آلمان و هلند و بلژیک تا خشکسالی و گرمای بی‌سابقه در ایران و دیگر کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا. این درحالی است که پژوهش‌های جدید نسبت به نزدیک‌تر شدن نقطه‌های بدون بازگشت در زیست‌بوم‌های طبیعی به دلیل گرمایش زمین ناشی از فعالیت بشری هشدار می‌دهند.

**پی‌نوشت:**

**این مطلب را آدام توزنوشته و در وب‌سایت گاردین منتشر شده است و برای نخستین بار با عنوان «بحران اقلیمی را ثروتمندان جهان دامن می‌زنند، اما فقرا بهایش را می‌پردازند» در سی و چهارمین شماره مجله ترجمان علوم انسانی با ترجمه قاسم مؤمنی منتشر شده است.**

---

گزارش سازمان بهداشت جهانی:

## از هر ۶ نفر، یک نفر دچار تنهایی است

تنهایی و انزوای اجتماعی باعث بیماری‌های جسمی می‌شود. گزارش جدید سازمان بهداشت جهانی میزان گسترده این مشکل را در سراسر جهان نشان می‌دهد: تنهایی در ۸۷۱ هزار مورد مرگ‌ومیر نقش دارد. با این حال، نمونه مثبت نیز در این زمینه وجود دارد.

تنهایی نه‌تنها بسیاری از افراد را درگیر می‌کند، بلکه جامعه را نیز تضعیف کرده و هزینه‌های زیادی را به آن تحمیل می‌کند. کمیسیونی از سازمان بهداشت جهانی به‌تازگی به بررسی این مشکل و پیامدهای جهانی آن پرداخته است.

بر اساس این گزارش، از هر ۶ نفر در سراسر جهان، یک نفر درگیر تنهایی است. تنهایی و انزوای اجتماعی سبب بیماری‌های جسمی می‌شود و هرسال به ۸۷۱ هزار مورد مرگ‌ومیر در سراسر جهان کمک می‌کند. تنهایی، خطر ابتلا به سکته مغزی و قلبی، دیابت، افسردگی، اضطراب و خودکشی را افزایش می‌دهد.

**میلیاردها دلار هزینه در بخش بهداشت و درمان**

براساس این گزارش، افراد و خانواده‌ها تنها به‌صورت فردی تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند. جامعه با میلیاردها دلار هزینه در بخش بهداشت و درمان و همچنین ضرر و زیان ناشی از مواردی مانند بیکاری مواجه می‌شود.

به‌عنوان مثال، نوجوانان احتمال دارد ۲۲ درصد بیشتر نمرات بدتری نسبت به همکلاسی‌های خود کسب کنند و بزرگسالان نیز در یافتن یا حفظ شغل با دشواری بیشتری روبه‌رو شوند.

**ارتباط فراتر از کلمات**

ویوک مورتی، یکی از رؤسای این کمیسیون، تنهایی را چنین تعریف می‌کند: تنهایی احساسی ذهنی و دردناک است که بسیاری از ما وقتی روابط موردنیازمان را نداریم، آن را تجربه می‌کنیم. در مقابل، انزوای اجتماعی وضعیتی عینی است که در آن روابط یا تعاملات کمی وجود دارد.

به گفته مورتی، مردم از هزاران سال پیش تا کنون نه‌تنها از طریق کلمات، بلکه با حالات چهره، زبان بدن، صدا و سکوت نیز با یکدیگر ارتباط برقرار کرده‌اند. این امر زمانی از بین می‌رود که آن‌ها به‌طور مداوم از طریق تلفن‌های همراه و رسانه‌های اجتماعی باهم ارتباط برقرار کنند.

براساس برآوردهای این گزارش، از هر سه فرد بزرگسال، یک نفر و از هر چهار نوجوان، یک نفر از نظر اجتماعی منزوی هستند. ازجمله دلایل این امر می‌توان به بیماری‌ها، فقدان آموزش و درآمد پایین، کمبود فرصت‌های ارتباطات اجتماعی و تنها زندگی کردن و همچنین فناوری‌های دیجیتال اشاره کرد.

**سوئد؛ نمونه‌ای مثبت**

سازمان بهداشت جهانی، سوئد را به‌عنوان نمونه‌ای خوب معرفی می‌کند؛ یاکوب فورسمِد، وزیر امور اجتماعی سوئد می‌گوید این کشور استراتژی ملی برای مقابله با تنهایی دارد. آن‌ها متوجه شده‌اند که نه‌تنها افراد تنها، بلکه کل جامعه با این مشکل روبه‌رو هستند. در حال حاضر، در بسیاری از نقاط سوئد به‌طور آگاهانه تلاش می‌شود تا فرصت‌های تماس اجتماعی فراهم شود، به‌عنوان مثال در فروشگاه‌ها یا رستوران‌ها، در محله‌ها یا باشگاه‌ها. به‌زودی به همه کودکان و نوجوانان کارت‌های هدیه نقدی داده خواهد شد که می‌توانند با آن‌ها فعالیت‌های گروهی در اوقات فراغت را رزرو کنند.

**ممنوعیت موبایل در مدارس**

وزیر امور اجتماعی سوئد می‌گوید این کشور استفاده از تلفن همراه را در مدارس دولتی ممنوع خواهد کرد.

مطالعات نشان داده‌اند که این اقدام باعث افزایش تماس‌های اجتماعی و کاهش قلدری سایبری، (آزار و اذیت، تهدید، تحقیر یا تمسخر فردی در فضای مجازی) می‌شود. کودکان و نوجوانان بهترمی‌خوابند و راحت‌ترمی‌توانند تلفن همراه را در اوقات فراغت نیز کنار بگذارند.

فورسمِد همچنین اشاره کرد که کودکان اغلب زمانی که والدینشان دائماً مشغول تلفن‌های همراه هستند، احساس ناراحتی می‌کنند.

کمیسیون تأکید می‌کند که فناوری‌های دیجیتال فواید خود را دارند؛ آن‌ها امکان برقراری ارتباطاتی مانند تماس‌های تصویری را فراهم می‌کنند که در گذشته غیرممکن بودند.

با این حال، ویوک مورتی تأکید می‌کند: داشتن مکان‌ها و فضاهایی در زندگی‌مان که بتوانیم بدون حواس‌پرتیِ فناوری، رودررو با دیگران تعامل داشته باشیم، بسیار مهم است.

---

## سازمان ملل: باید با موج‌های گرما کنار بیاییم آینده بدتر از اکنون خواهد بود

در پی افزایش کم‌سابقه دما در نقاط مختلف اروپا، سازمان جهانی هواشناسی وابسته به سازمان ملل هشدار داد که جهان باید خود را با موج‌های گرمای شدیدتر، پرتکرارتر و مرگ‌بارتر سازگار کند؛ چراکه بحران اقلیمی ناشی از فعالیت‌های انسانی در حال تشدید این پدیده است.

کلیر نولیس، سخنگوی این سازمان گفت: گرمای شدید به درستی به عنوان قاتل خاموش شناخته می‌شود. چراکه برخلاف طوفان‌ها یا سیل‌ها، آمار رسمی معمولا نمی‌تواند تمام جان باختگان ناشی از آن را ثبت کند.

او تأکید کرد: هر مرگی که به خاطر گرما اتفاق می‌افتد، قابل پیشگیری است. ما ابزار و دانش کافی برای جلوگیری از آن را داریم. به گفته نولیس، موج گرمای کنونی که مناطق غربی و جنوبی اروپا را دربرگرفته، اکنون به سمت شمال گسترش یافته و میلیون‌ها نفر در کشورهایی نظیر پرتغال، یونان، کرواسی، آلمان، اتریش و سوئیس را در معرض دمای بی‌سابقه قرار داده است.

سازمان جهانی هواشناسی هشدار داده که این موج گرمای زودهنگام در تیرماه، اگرچه بی‌سابقه نیست، اما بسیار غیرمعمول است، چراکه معمولا اوج گرمای تابستان در نیمکره شمالی در ماه‌های مرداد یا شهریور رخ می‌دهد. یکی از عوامل تشدیدکننده، موج گرمای فعلی، دمای غیرمعمول بالای سطح آب در دریای مدیترانه است. نولیس گفت: در حال حاضر مدیترانه با موج گرمای دریایی شدید روبه‌رو است، که موجب تشدید دمای هوا در مناطق خشکی اطراف آن می‌شود.

او افزود که این پدیده با یک سیستم پرفشار قوی همراه شده که باعث حبس هوای داغ شمال آفریقا بر فراز بخش بزرگی از اروپا شده و تأثیر آن را بر سلامت انسان‌ها و فعالیت‌های روزمره دوچندان کرده است. سازمان جهانی هواشناسی و فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر تأکید کرده‌اند که سیستم‌های هشدار زودهنگام و برنامه‌ریزی پیشگیرانه در سطح شهری و ملی می‌تواند جان هزاران نفر را نجات دهد. توماسو دیلا لونگا، سخنگوی صلیب سرخ جهانی، اعلام کرد که هزاران داوطلب در سرتاسر اروپا در حال توزیع آب و مراقبت از گروه‌های آسیب‌پذیر شامل سالمندان، بی‌خانمان‌ها و کارگران فضای باز هستند. او تأکید کرد: گرمای شدید لزوما نباید به یک فاجعه منجر شود؛ اگر آگاهی، آمادگی و اقدام زودهنگام در کار باشد، می‌توان از خسارات جانی جلوگیری کرد.

سازمان جهانی هواشناسی در پایان هشدار داد که تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیت‌های انسانی نه تنها دماهای شدید را رایج‌تر کرده، بلکه در آینده‌ای نزدیک با موج‌های گرمای سهمگین‌تری روبه‌رو خواهیم شد. به گفته نولیس، سؤال این نیست که آیا با زهم چنین پدیده‌هایی رخ می‌دهند یا نه، بلکه این است که چقدر بدتر خواهند شد. آنچه در راه است، بدتر از آن چیزی است که تاکنون تجربه کرده‌ایم.

---


# آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه

## شرکت اقتصادی و خودکفایی آزادگان (سهامی عام)

## شماره ثبت ۴۵۸۲۸۲ شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۵۳۱۶۵

**بدین وسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت اقتصادی و خودکفایی آزادگان (سهامی عام) یا نمایندگان و وکلای قانونی آنان دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰ که رأس ساعت ۱۱:۰۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۸ در محل تهران، بلوار غربی مجموعه ورزشی آزادی، پژوهشگاه صنعت نفت برگزار می گردد، حضور به هم رسانند.**

**دستور جلسه:**

**۱- استماع گزارش فعالیت هیئت مدیره؛**
**۲- استماع گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰؛**
**۳- بررسی و تصویب صورت های سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰؛**
**۴- اتخاذ تصمیم پیرامون نحوه تقسیم سود؛**
**۵- تعیین و تصویب پاداش هیئت مدیره و حق حضور در جلسات اعضای غیر موظف هیئت مدیره و اعضای کمیته های تخصصی و تصمیم گیری در خصوص مبلغ کمک های عام المنفعه؛**
**۶- انتخاب حسابرس قانونی و بازرس اصلی و علی البدل شرکت برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹؛**
**۷- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت؛**
**۸- انتخاب اعضای هیئت مدیره؛**
**۹- سایر مواردی که اخذ تصمیم در مورد آن ها در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه می باشد.**

**سهامداران محترم و یا نمایندگان و وکلای قانونی آنان می توانند با ارائه کارت شناسایی معتبر و مستندات مؤید نمایندگی قانونی یا وکالت، برگ ورود به جلسه مجمع مذکور را در روز برگزاری جلسه از ساعت ۰۸:۰۰ تا ساعت ۱۱:۰۰ صبح در محل برگزاری مجمع دریافت کنند.**

**ضمنا در راستای تسهیل مشارکت حداکثری سهامداران، امکان مشاهده مستقیم جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه از طریق پیوند (https://www.aparat.com/khodkafaee/live) ، فراهم شده است.**

**تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۰۴/۱۲**

**هیئت مدیره شرکت اقتصادی و خودکفایی آزادگان (سهامی عام)**


---

**میزخبر**

## هر روز ۱۸۰ ایرانی در کام آتش دخانیات می‌سوزند

دخانیات همچنان یکی از بزرگ‌ترین تهدیدهای سلامت عمومی در کشور محسوب می‌شود؛ محصولی که به‌رغم آگاهی‌های گسترده، سالانه جان هزاران نفر را می‌گیرد و هزینه‌های اقتصادی را به کشور تحمیل می‌کند.

مصرف دخانیات یکی از مهم‌ترین چالش‌های سلامت عمومی در ایران و جهان به شمار می‌رود؛ معضلی که نه‌تنها با پیامدهای گسترده جسمی و روانی همراه است، بلکه بار اقتصادی و اجتماعی سنگینی نیز بر دوش دولت‌ها و جوامع می‌گذارد. علی‌رغم هشدارهای جهانی و شواهد علمی روشن درباره آثار مرگبار سیگار و سایر محصولات دخانی، هنوز هم تولید، توزیع و مصرف این کالاها در بسیاری از کشورها، ازجمله ایران، با خلأهای نظارتی، ضعف در بازدارندگی قوانین و دسترسی آسان در سطح جامعه مواجه است.

این در حالی است که دخانیات تنها کالای قانونی در جهان است که مستقیما منجر به مرگ نیمی از مصرف‌کنندگانش می‌شود و با وجود تلاش‌هایی برای مقابله با گسترش مصرف آن، ازجمله تصویب قوانین محدودکننده و افزایش تدریجی مالیات، همچنان فاصله قابل توجهی با استانداردهای مؤثر جهانی باقی مانده است. بهزاد ولی‌زاده، رئیس دبیرخانه ستاد کشوری کنترل دخانیات وزارت بهداشت در گفت‌وگویی با خبرگزاری مهر، ضمن تشریح اولویت‌های این ستاد در مقابله با مصرف دخانیات، بر اهمیت اجرای دقیق قوانین ملی و معاهدات بین‌المللی در این حوزه تأکید کرد.

**آقای دکتر به عنوان سؤال اول اولویت اصلی ستاد کشوری کنترل دخانیات وزارت بهداشت چیست؟**

اولویت اصلی ما اجرای قانون جامع کنترل دخانیات و مفاد معاهدات بین‌المللی به‌ویژه پروتکل مقابله با تجارت غیرقانونی محصولات دخانی است.

۱۰ جلسه در ستاد کشوری کنترل دخانیات، برگزار شده است و در این جلسات، مصوباتی با تأیید ریاست جمهوری به تصویب رسیده که محور اصلی آن‌ها ۶ راهکار برای کاهش تقاضا و همچنین برنامه‌هایی در جهت کاهش عرضه دخانیات است.

۶ راهکار اصلی ستاد برای کاهش تقاضای دخانیات شامل، پایش وضعیت مصرف دخانیات، سیاست‌های پیشگیرانه و حفاظت از مردم در برابر مواجهه با دود دخانیات در اماکن عمومی، افزایش آگاهی و هشدارهای عمومی نسبت به مضرات مصرف دخانیات، ممنوعیت جامع هرگونه تبلیغ، تشویق و تحریک به مصرف دخانیات، افزایش مالیات بر دخانیات به عنوان ابزار مؤثر در کاهش مصرف و ساماندهی عرضه و فروش، به‌ویژه ممنوعیت فروش به افراد زیر ۱۸ سال و جایگزینی کشت توتون با محصولات دیگر است.

شعار سال ۲۰۲۵ سازمان جهانی بهداشت یعنی «افشای ترفندهای صنایع دخانی» است که در همین راستا، ما تمرکز ویژه‌ای بر مصادیق جذاب سازی این محصولات داریم. ازجمله، سیگارهای الکترونیکی که در حال گسترش در دنیا هستند و با طراحی و عطر و طعم‌های فریبنده، نوجوانان و جوانان را هدف قرار داده‌اند. ایران در زمینه ممنوعیت واردات و فروش این محصولات خلأ قانونی ندارد اما همچنان از مجاری غیررسمی وارد کشور می‌شوند و در جلسه نهم ستاد، استفاده از عطر و طعم در محصولات دخانی به عنوان یکی از مصادیق تبلیغ ممنوع شد، اما در اجرا با چالش‌هایی مواجه شدیم و اکنون در تلاش برای احیای این مصوبه از طریق دیوان عدالت اداری هستیم.

**هشدار نسبت به نمایش استعمال دخانیات در رسانه‌ها**

مصوبه ستاد درباره ممنوعیت نمایش استعمال دخانیات در آثار رسانه‌ای و شبکه نمایش خانگی هم وجود دارد که نمایش سیگار در رسانه‌ها، خصوصا در محتواهایی که نوجوانان و بانوان مخاطب آن هستند، منجر به عادی‌سازی مصرف دخانیات شده و خلاف قانون است و در جلسه اخیر با سازمان ساترا، بر لزوم اجرای دقیق این مصوبات و اعمال جریمه برای تخلفات رسانه‌ای توافق شد تا از گسترش این ترفندهای تبلیغاتی جلوگیری شود. ما در ستاد کشوری کنترل دخانیات با جدیت پیگیر اجرای کامل مصوبات و مقابله با روش‌های فریبنده صنایع دخانی هستیم تا از سلامت عمومی به‌ویژه نسل جوان کشور محافظت شود.

**قانون جدید کنترل دخانیات در آستانه رونمایی**

در آخرین به‌روزرسانی قانون جرایم مرتبط با تبلیغات محصولات دخانی در سال ۱۴۰۳، جریمه‌ای از ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار تا ۲۱۰ میلیون تومان برای تخلفات تعیین شده است. با وجود اجرای این قانون در حوزه قضائی، میزان بازدارندگی آن همچنان پایین ارزیابی می‌شود. درصورتی که جرایم به‌ازای هر ثانیه نمایش مصرف محصولات دخانی اعمال شوند، احتمال اثرگذاری بازدارنده آن به شکل چشمگیری افزایش خواهد یافت.

عدم وجود محتوای نمایشی بدون حضور سیگار، به معضل جدی در نمایش خانگی تبدیل شده است. این روند، مصداق تضییع حقوق عامه به شمار آمده و پیگیری‌های حقوقی در این زمینه از سوی ستاد در دستور کار قرار گرفته است. در حوزه آموزش و اطلاع‌رسانی، پویش‌های مناسبی به مناسبت روز جهانی بدون دخانیات اجرا می‌شود، اما ارزیابی مؤثر از اثربخشی آن‌ها، همچنان انجام نشده است. ضعف در سنجش تأثیر این فعالیت‌ها بر رفتار و آگاهی عمومی، یکی از چالش‌های موجود است.

در همین راستا، طراحی شاخص‌های سنجش اثربخشی و تدوین ابزارهای ارزیابی در دستور کار قرار دارد. فاصله‌های زمانی چهار تا پنج ساله در ارائه آمار و اطلاعات مرتبط با وضعیت دخانیات، مانعی برای تدوین سیاست‌های روزآمد محسوب می‌شود و نظام جدید مراقبت از دخانیات با هدف تجمیع و به‌روزرسانی اطلاعات مرتبط، در حال پیاده‌سازی است. این سامانه نرم‌افزاری امکان ارزیابی اثرگذاری سیاست‌هایی مانند افزایش مالیات، اعمال هشدارهای تصویری و محدودیت تبلیغات را فراهم خواهد کرد. در حوزه استفاده از دخانیات در اماکن عمومی، باوجود ممنوعیت قانونی، ضعف در بازدارندگی جرایم منجر به تکرار تخلف شده است و جریمه‌های پایین و عدم اعمال مؤثر احکام از سوی دستگاه‌های قضائی، مانعی جدی برای اجرای مؤثر قانون به شمار می‌آید. نسخه جدید قانون کنترل دخانیات تدوین شده و در جلسه آتی ستاد کشوری رونمایی خواهد شد. این قانون، با هدف رفع خلأهای قبلی و افزایش بازدارندگی، پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی اجرایی خواهد شد.

**موضوع قاچاق سیگار نیز از دیگر چالش‌های حوزه دخانیات است**

باوجود ممنوعیت واردات محصولات دخانی، مسیرهای غیررسمی همچنان فعال هستند. در سال‌های گذشته، با استناد به مفاد برنامه پنجم توسعه، واردات سیگار به تولید داخلی تبدیل شد. این ماده قانونی که با هدف کاهش قاچاق و توجیه اقتصادی از منظر صنعتی اجرا شد، در عمل تنها بند کاملا اجرایی از قانون برنامه تلقی می‌شود. در حال حاضر، کارخانه‌های تولید محصولات دخانی در کشور فعالیت گسترده‌ای دارند که نحوه صدور مجوز و نظارت بر آن‌ها نیز ازجمله مواردی است که نیاز به بازنگری و ساماندهی دارد.

ستاد کشوری کنترل دخانیات با رصد مستمر وضعیت مصرف، عرضه و تبلیغات، سیاست‌های